

Social Changes and Jurisprudential and Legal Challenges for Iranian Families

Leila Hakkak

Ph. D student Private Law, Faculty of Law, and Political Science South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Asghar Arabian*

Associate professor of Department Private Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Mohammad javad javid

Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract:

Objective: *The present research aimed at reviewing a key issue, “in post-revolution Iran, under social changes, Iranian family institution has been faced with important challenges such as early or late marriage, changed childbearing and parenting values and appearance of abnormal families.*

Method: *descriptive-analytical methods were used for a descriptive research. Library method by referring to the books, papers, documents, and internet websites was used.*

Findings: *Social changes in Iran followed by family changes including extended family changing to nuclear family as the most notable one along with reduced family functions and outsourcing them, breakdown in relationships between generations, conflicts of values, changed power structure, the problem of aging, early or late marriage, changed childbearing and parenting values, and the appearance of families abnormal in Iranian society.*

These changes have resulted in different challenges including violence against women and children, uncertain conditions of widowed women and their children, financial family issues, raising family disputes and divorce, dangers for mother’s lives, increased illegal and irreligious relations, violence and discrimination against women in workplaces. In response to some issues and their damaging consequences, some post-revolution legal regulations based on interpretations of dynamic Islamic jurisprudence have been changed and reformed, but, some of them remained intact waiting to be reviewed to regulate family members’ interactions and their relationships in accordance with contemporary conditions and circumstances

Conclusion: *social changes have resulted in shaping different challenges regarding guardianship and headship in family, financial regulations for families, the relatives, child marriage, custody, abortion, white marriage, and women employment etc. These new challenges have had different damages to and consequences for family nature doubling the necessity of accordant legislation and reforms in laws to control and adapt them.*

Keywords: *social changes, jurisprudential-legal challenges, family, family law, women.*

¹ Email: a.arabian42@gmail.com (Corresponding Autor)

تغییرات اجتماعی و چالش‌های فقهی - حقوقی خانواده ایرانی

لیلا حکاک^۱، اصغر عربیان^{۲*}، محمدجواد جاوید^۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۲۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۱۲

چکیده

هدف تحقیق: هدف از این پژوهش پرداختن به این مسئله کلیدی است که نهاد خانواده در ایران پسا انقلابی تحت تاثیر تغییرات اجتماعی، با چالش‌های مهمی از جمله تاخیر یا تعجیل در سن ازدواج، دگرگونی ارزش‌های فرزندآوری و فرزندپروری، و ظهور خانواده‌های ناهنجار مواجه بوده است.

روش تحقیق: نوع پژوهش حاضر، توصیفی بوده و روش بکار گرفته شده در آن، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای و با استناد به کتاب‌ها، مقاله‌ها، اسناد و پایگاه‌های اینترنتی خواهد بود.

یافته‌ها: به تبع تغییرات اجتماعی خانواده در جامعه ایرانی که مهمترین آنها دگرگونی خانواده گسترده به هسته‌ای است، شاهد کاهش کارکردهای خانواده و برون‌سپاری نقش‌های آن، اختلال در ارتباط بین نسل‌ها و تعارض ارزشی، تحول ساختار قدرت، معطل‌سالمندی، تاخیر یا تعجیل در سن ازدواج، دگرگونی ارزش‌های فرزندآوری و فرزندپروری، و ظهور خانواده‌های ناهنجار با جامعه ایران بوده‌ایم. این چالش‌ها با پیامدهای منفی چون خشونت علیه زنان و کودکان خانواده، بلاتکلیفی زنان مطلقه و بیوه و فرزندان آنها، مشکلات و مسایل مالی خانواده، بروز اختلاف‌های خانوادگی و افزایش طلاق، خطرات جانی مادر، گسترش روابط خارج از شرع و قانون، خشونت و تبعیض علیه زنان در محیط‌های شغلی همراه است. در پاسخ به برخی مسایل و پیامدهای آسیب‌زای آنها، برخی قوانین حقوقی ایران پساانقلابی بر مبنای تفاسیر فقه پویای اسلامی متحول و اصلاح شده‌اند. اما در مواردی این قوانین همچنان دست‌نخورده مانده‌اند که لازم است برای تنظیم تعاملات بین اعضای خانواده و مناسبات بین آنها و تناسب و تطابق با شرایط معاصر این قوانین بازنگری شوند.

نتیجه‌گیری: تغییرات اجتماعی موجب شکل‌گیری چالش‌های مختلف از جمله چالش ولایت و ریاست در خانواده، چالش‌های حقوق مالی خانواده، چالش اقارب، کودک همسری، حضانت، سقط جنین، ازدواج سفید و اشتغال زنان شده است. این چالش‌های جدید، آسیب‌ها و پیامدهای منفی مختلفی بر کیان خانواده به همراه داشته‌اند که لزوم قانونگذاری و اصلاح قوانین موجود را در تطابق و کنترل این آسیب‌ها دوچندان ساخته است.

واژگان کلیدی: تغییرات اجتماعی، چالش‌های فقهی - حقوقی، خانواده، حقوق خانواده، زنان.

^۱ دانشجوی دکترای تخصصی رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
^۲ دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول):
a.arabian42@gmail.com

^۳ استاد گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۱- بیان مساله

خداوند آفرینش انسان را با پیوند زن و مرد آغاز کرد و آدم و حوا را در کانون خانواده سکنی داد و با این تدبیر، همه فرزندان آدم را به سوی زوجیت دعوت نمود و کمال انسانی را در همراهی و همدلی زوجین در کانون خانواده ترسیم فرمود. پیوند میان زن و مرد از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند آن را میثاق غلیظ نامیده است (نساء: ۲۱). رسول گرامی اسلام درباره مقام والای پیوند مقدس هیچ بنایی در اسلام را محبوب تر از تشکیل خانواده (ازدواج) نمی‌داند. (مجلسی، ۱۹۸۳م: ۲۲۲/۱۰۰). ایشان همچنین خانه‌ها را مستلزم ازدواج می‌داند (حر عاملی، ۱۹۹۱م: ۵/۴).

خانواده ایرانی در طول تاریخ همزمان با تغییرات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به ویژه تغییر حکومت‌ها دچار تحولات اساسی شده است. نظام خانواده ایرانی پس از اسلام، با رویکرد دینی جدیدی تعریف شد که با پیش از اسلام متفاوت و متمایز بود. این نظام دینی با خود نظام حقوقی متفاوتی را نیز به همراه داشته است. باز در تقسیم بندی دیگر، نظام حقوقی خانواده ایرانی را از منظری به دو دوره پیشا مدرن و مدرن می‌توان دسته بندی نمود. نظام حقوقی خانواده در ایران با ظهور مدرنیته، در چالش و تعامل و برخورد یا دیالکتیک حقوق غربی قرار گرفت و سنتزی جدید شکل داد. بر این اساس نظام حقوقی خانواده ایرانی از روند جهانی شدن حقوق نیز متأثر شد. روند مدرنیته شدن نظام حقوقی ایران در دوره پهلوی به یکباره با ظهور انقلاب اسلامی دگرگون شد و متغیرهای جدیدی را در تحول نظام حقوقی خانواده ایرانی وارد نمود که مهمترین آن رویکرد دینی به مسایل حقوقی نظام خانواده بود. اما روند مدرنیته شدن و جهانی شدن نظام حقوق خانواده با این تحول سیاسی و حاکمیتی متوقف نشد. پیشرفت‌های پزشکی در حوزه باروری و امکان تغییر جنسیت مباحث و مسایل جدیدی را در حوزه خانواده شکل داده است. همچنین ظهور و گسترش رسانه‌های جدید به ویژه تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی، خانواده را با انفجار نقش‌ها مواجه نمود.

در این پژوهش تحولات بعد حقوقی خانواده مد نظر است. حقوق خانواده، شاخه‌ای از حقوق مدنی است که به مقررات و قواعد شکل‌گیری، تداوم و انحلال خانواده می‌پردازد. حقوق خانواده به مجموعه قوانین و مقرراتی اطلاق می‌شود که ناظر به تنظیم روابط خانواده است (شیروی، ۱۳۹۷).

فرض کلیدی ما در این پژوهش آن است که در نتیجه تغییرات اجتماعی سریع جامعه ایران، خلاء یا شکاف‌های قانونی و حقوقی در مسایل خانواده ایجاد شده است که برخی افراد با سوء استفاده از آن به قانون شکنی مبادرت می‌کنند. همچنین تعادل و هماهنگی تعاملات بین اعضای خانواده و مناسبات بین آنها و تناسب و تطابق آنها با شرایط معاصر در برخی حوزه‌ها به هم خورده است. به عبارت دیگر نظام حقوقی ما در نتیجه تحولات خانواده، دچار چالش‌های جدی شده است. بر این اساس، نظام‌های حقوقی ایران، باید اصلاح و نوسازی خود را مد نظر قرار بدهد و در اینکار از حقوق‌دان‌های زبده و پژوهشکده‌های حقوقی مشاوره بگیرد. پیش زمینه اصلی برای اینکار شناسایی تحولات خانواده در عصر کنونی و مطالعه چالش‌های حقوقی مرتب بر آنهاست تا بر اساس پتانسیل‌های حقوق اسلامی و در نظر گرفتن دو عنصر مهم تحول در فقه یعنی عناصر زمانی و مکانی، زمینه حمایت حقوقی خانواده و ترمیم آسیب‌های آن فراهم شود.

بر این اساس این پژوهش در پاسخگویی به این سوال کلیدی طراحی شده است که نهاد خانواده در ایران پسا انقلابی تحت تاثیرات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و جهانی، با چه چالش‌هایی مواجه شده و راهکارهای برون رفت از این چالش‌ها چیست؟

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کیفی با روش کتابخانه‌ای است که با بررسی مطالب متون فقهی - حقوقی و قوانین حقوقی ایران پسا انقلابی با روش توصیفی - تحلیلی انجام خواهد یافت. در این پژوهش پس از جمع آوری اطلاعات معتبر، متون مربوطه جهت استخراج نحوه مواجهه با چالش‌های فقهی - حقوقی که در نتیجه تغییرات اجتماعی در خانواده‌های ایرانی رخ داده است مورد کنکاش قرار گرفت.

از همین رو، روش تحقیق حاضر از نوع میان رشته‌ای بوده و با استفاده از اطلاعات جامعه‌شناسی و حقوقی سامان یافته است. از سوی دیگر نیز تحلیل فقهی و حقوقی مطالب با استفاده از مقتضیات زمانی جامعه‌شناسانه در رابطه با خانواده ایرانی صورت پذیرفته است.

۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه یافته‌ها

۳-۱. تغییرات اجتماعی و خانواده مورد خطاب در قوانین حقوقی ایران

مهم‌ترین تغییرات اجتماعی خانواده در جامعه ایرانی را می‌توان موارد زیر دانست:

- کاهش کارکردهای خانواده و برون سپاری نقش‌های آن
- اختلال در ارتباط بین نسل‌ها و تعارض ارزشی در خانواده
- معطل سالمندی در خانواده‌ها
- تحول ساختار قدرت در خانواده
- تاخیر یا تعجیل در سن ازدواج و تشدید معطل مجرد قطعی
- دگرگونی ارزش‌های فرزندآوری و فرزندپروری
- ظهور خانواده‌های ناهنجار با جامعه ایران

با توجه به تحولات صورت گرفته در ساختار و شکل خانواده ایرانی مساله اصلی پاسخ به این سوال است که قوانین موضوعه کدام مفهوم از خانواده را مورد توجه قرار داده‌اند. در قانون مدنی و قوانین دیگر تعریفی از خانواده مشاهده نمی‌شود. برخی حقوقدانان خانواده را در دو مفهوم عام و خاص تعریف کرده‌اند. در مفهوم عام خانواده عبارت است از گروهی مرکب از شخص و خویشان نسبی و همسر او، گروهی که از یکدیگر ارث می‌برند و خانواده در مفهوم خاص یا خانواده هسته‌ای عبارت از زن و شوهر و فرزندان تحت سرپرستی آنهاست که معمولاً باهم زندگی می‌کنند و تحت ریاست پدر و شوهر هستند (صفایی و امامی، ۱۳۸۴: ۱۱-۱۲)

مطالعه مقررات قانون مدنی و قوانین خانواده حاکی از آن است که در بسیاری از مقررات، توجه به خانواده گسترده است و به نظر می‌رسد در این موارد تحولات صورت گرفته در خانواده مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است که نتیجه آن بروز و تشدید چالش‌های فقهی - حقوقی در مسایل خانواده است.

۳-۲. چالش‌های فقهی - حقوقی ناشی از تغییرات اجتماعی خانواده

به طور کلی در نتیجه تغییرات اجتماعی ایجاد شده، چالش‌های فقهی - حقوقی مختلفی در جامعه ایران شکل گرفته است، که آنها را می‌توان در دو حوزه چالش‌های اجتماعی، و چالش‌های پزشکی - تکنولوژیکی جای داد. چالش‌های پزشکی - تکنولوژیکی نیز نتیجه پیشرفت‌های علمی و شامل سه مقوله لقاح مصنوعی، رحم اجاره‌ای، و تغییر جنسیت می‌شود. در این نوشتار فقط به چالش‌های اجتماعی خواهیم پرداخت. این چالش‌ها شامل موارد زیر می‌شود:

- چالش ولایت و ریاست در خانواده
- چالش‌های حقوق مالی خانواده
- چالش اقارب
- کودک همسری
- حضانت
- سقط جنین

- ازدواج سفید و روابط خارج از ازدواج

- اشتغال زنان

در زیر به بررسی چالش‌های فقهی - حقوقی مسایل خانواده در حوزه اجتماعی می‌پردازیم.

۳-۲-۱. چالش ولایت و ریاست در خانواده

بر اساس این چالش نگرش غالب درباره ولایت و ریاست در خانواده مورد پرسش قرار گرفته است. قوامیت مردان بر زنان حکمی قرآنی است که بر سرپرستی و مدیریت مردان بر زنان (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۱۱۷) و مسائل سرپرستی در خانواده (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۳: ۳۶۹) اشاره دارد.

رئیس خانواده در طول تاریخ بشر از مادر خانوار به پدر خانوار (ریش سفید) و بعد از آن به پدر خانواده هسته‌ای رسیده است. از دیدگاه متخصصان علوم اجتماعی در سال‌های اخیر با تمایل والدین به ایجاد محیط دمکراتیک، در درون خانواده با نوعی سردرگمی در وجود یک منبع اصلی قدرت درون خانواده مواجهیم (یزدانی، و دوستی ۱۳۹۴: ۸۸). اقتدار مرد در خانواده هسته‌ای کاهش یافته است. تصمیم گیرندگان اصلی فقط مردان نیستند، بلکه زنان و حتی فرزندان به طور مستقیم یا غیرمستقیم در تصمیم‌گیری‌ها نقش دارند.

ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی در خصوص ریاست شوهر بر خانواده، نگاه به خانواده هسته‌ای است و از این حیث منطبق با ساختار هسته‌ای خانواده است، با این وجود به نظر می‌رسد این ماده با توجه به تحولات صورت گرفته در جامعه ایرانی به ویژه در شهرهای بزرگ تا حدودی منطبق با شرایط نیست. البته با توجه به ضرورت وجود مدیر در خانواده به عنوان یک اجتماع کوچک این ماده قابل توجیه است، اما پذیرش تفاسیری از این مفهوم که ریاست خانواده را به عنوان یک امتیاز و حق فردی برای شوهر تلقی نمی‌کنند و در چهارچوب عرف و مصلحت خانواده آن را قابل اعمال می‌دانند با مقتضیات روز جامعه تطابق بیشتری خواهد داشت.

درباره چستی قوامیت مردان در خانواده سه رویکرد کلی سرپرستی، کارگزاری و تلفیق سرپرستی و کارگزاری، در میان متفکران شیعی مطرح شده است. در تطابق هر کدام از این رویکردها با شرایط متغیر اجتماعی، تفاسیر جدیدی ارائه شده است. در رویکرد سرپرستی و ریاست تعبیر سرپرستی و قیمومت را مناسب‌تر دانسته‌اند؛ چراکه ولایت، سلطه شخص بر مال و جان دیگری است، در حالی که مرد هیچ ولایتی بر جان و مال زن ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۲۶). همچنین زن را تحت سلطه و حاکمیت مرد دانستن، تصویری مربوط به سده‌های پیشین و دوران پیش از اسلام دانسته شده است. بر این اساس از دید اسلام و در جهان امروز زن و مرد مکمل همدیگر هستند و ریاست مرد بر خانواده، بیشتر انجام یک وظیفه اجتماعی است و زن همکار او است نه یک فرمان‌بردار مطلق (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۰۲). دکتر کاتوزیان با نگرشی متفاوت ریاست مرد را وضعیتی شبیه حضانت می‌داند که از یک سو چه در ارتباط با همسر (قوامیت) و چه در ارتباط با فرزندان (ولایت) تکلیفی در جهت حمایت، نظارت و حفظ مصلحت خانواده است و از دیگر سو با در نظر گرفتن امتیازات ناشی از این اقتدار قانونی و روان بودن ممانعت دیگران از آن، چهره‌ای از حق به خود می‌گیرد؛ بنابراین ریاست مرد بر خانواده به صورت آمیزه‌ای از حق و تکلیف جلوه گر می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۶۷۶).

برخی از مفسران قوامیت را به مفهوم قیام به امر، مراقبت، تکفل امور زنان و کارگزاری دانسته‌اند (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۷: ۳۸). به نظر این گروه، آیه قوامیت فقط بر قیام کردن به امور زنان و نه سلطه بر آنها دلالت دارد (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۵: ۳۶۰). در این دیدگاه تحلیل گروه نخست را (سرپرستی و قیمومت) ناشی از عرف حاکم بر جامعه می‌دانند نه قرآن (مهریزی، ۱۳۸۶: ۲۵۸). صادقی تهرانی در تفسیر الفرقان بر این باور است که قوامون به معنای مراقبت‌نیکو از زنان و حفظ و حراست شایسته از آنان است و این قوامیت نشانه برتری گروه مردان بر زنان نیست و هیچ‌گونه ولایتی برای مردان بر زنان مقرر نکرده است (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ج ۷: ۳۶-۳۸).

برخی دیگر از مفسران با تلفیق دو دیدگاه قبلی (ریاست و کارگزاری) بر این باورند که قوامیت فقط سرپرستی به معنی امر و نهی نیست؛ بلکه اعتنا به شأن زنان و رسیدگی به امورشان نیز است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۳: ۳۷۰). از دیدگاه برخی مفسران سپردن مسئولیت مدیریت خانواده به مردان به دلیل بالاتر بودن مردان از لحاظ شخصیت انسانی نیست؛ بلکه به دلیل آمادگی جسمانی آنان است و برتری انسان‌ها صرفاً به خاطر ایمان، تقوی، علم و جهاد آنان است. پس، همانطور که ممکن است شخصیت معنوی و علمی یک معاون از رئیس خودش بالاتر باشد، ممکن است شخصیت انسانی و معنوی و علمی زنی از شوهرش نیز بالاتر باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۳: ۳۷۱).

درباره محدوده قوامیت مرد در درون خانواده نیز چند نگرش وجود دارد. بسیاری از مفسران با استناد به اطلاق موجود در آیه محدودیتی برای سرپرستی و مدیریت مرد در خانواده تصور نکرده‌اند و معتقدند زن موظف به اطاعت مطلق از شوهر خود است (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳ش، ج ۱: ۴۶۹). در مقابل بسیاری از فقها دایره قوامیت مرد بر زن را منحصر به روابط زناشویی کرده و قوامیت مرد را به اموری از جمله وجود حق طلاق در دست او، اطاعت زن از شوهر در فراش و تامین نفقه محدود کرده‌اند و در سایر موارد آن دو را مساوی دانسته‌اند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ۳۱۵).

در این میان حقوق‌دانان شمول این قوامیت را وابسته به عرف دانسته‌اند. بر اساس این نگرش محدوده ریاست مرد بر خانواده تابع عادات و رسوم هر اجتماع و بر اساس مصالح متفاوت است (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۲۶). ولایت عبارت است از قدرت و اقتداری که قانونگذار به منظور اداره امور مالی و گاه تربیت کودک به پدر و جد پدری اعطا کرده است. از جمله مصادیقی که موید نگاه قانونگذار به خانواده به صورت خانواده گسترده است، پذیرش ولایت قهری جد پدری مطابق ماده ۱۱۸۱ قانون مدنی و عدم پذیرش ولایت مادر است. به نظر می‌رسد این ماده همسو با مفهوم گسترده خانواده است و در حال حاضر با توجه به ساختار هسته‌ای خانواده و برجسته شدن مساله استقلال فردی اعضای خانواده و حریم خصوصی در خانواده ایرانی، چنین احکامی منطبق با شرایط جامعه نیست. نه تنها عدم پذیرش ولایت مادر، بلکه برابر بودن اختیارات پدر و جد پدری نیز با شرایط فعلی جامعه ایرانی سازگاری ندارد.

قانون مدنی به پیروی از نظر مشهور در فقه، جد پدری را هم طراز پدر قرار داده است. از این رو هر یک از آنها می‌توانند به استقلال امور محجور را اداره کنند و هیچ یک را بر دیگری تقدم نیست. (صفایی و امامی، ۱۳۸۴: ۳۶۳) در حالی که پذیرش نظریات فقهایی که ولایت پدر را مقدم بر جد پدری می‌دانند ضمن اینکه مغایر با احکام اسلامی نیست، باعث انطباق قوانین موجود با نیازهای جامعه نیز خواهد شد. ماده ۱۵ قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۵۳ با هم طراز کردن حق مادر و جد پدری در این راستا اقدام کرد اما با نسخ این قانون به موجب لایحه قانونی الغای مقررات مخالف با قانون مدنی راجع به ولایت و قیمومت و عدم توجه به این مساله در قوانین بعدی نگاه قانونگذار ایرانی در این خصوص تغییری نکرده است.

البته برخی فقهای معاصر جعل ولایت قهری برای مادر را در عصر کنونی امکانپذیر دانسته‌اند و بر این باورند که حکم ولایت قهری از احکام تعبدی نیست و از احکام عقلایی است (موسوی بجنوردی، و ترکمان، ۱۳۸۵: ۱۳۹) برخی حقوق‌دانان نیز سست شدن بنیاد نظام مردسالار و رواج خانواده هسته‌ای و عدم زندگی جدپدری با نوه خود در زیر یک سقف و تفاوت وضعیت زن در جوامع معاصر با جوامع گذشته از دلایلی دانسته‌اند که می‌توان ولایت قهری مادر را پذیرفت. همچنین این استدلال مطرح شده است که در صورتی که علت انتخاب پدر و جد پدری دلسوزی و شفقت او در حفظ اموال فرزند باشد چه بسا در این خصوص مادر دلسوزتر باشد (صفایی و امامی، ۱۳۸۴: ۳۶۴) به نظر می‌رسد این استدلال‌ها منطقی است و وضعیت فعلی خانواده ایرانی و تحولات صورت گرفته در آن نیازمند نگرشی نو در این عرصه باشد.

۲-۲-۳. چالش‌های حقوق مالی خانواده

یکی از مهمترین چالش‌های حقوقی خانواده، به مسایل مالی آن مربوط می‌شود. چالش‌های حقوق مالی خانواده را می‌توان به تعدیل مهریه‌های ریالی، نفقه زن، مقررات ارث، اجرت المثل و نحله زوجه تقسیم بندی نمود. در این بخش به بررسی چالش‌های فقهی و حقوقی این موارد می‌پردازیم.

الف - چالش تعدیل مهریه‌های ریالی

منشاء قانون تعدیل مهریه، موضوع تعدیل در قراردادها می‌باشد. تعدیل در قرارداد، دین، مهر و یا هر چیز دیگری که با پول در ارتباط است، باعث جبران ضرر و زیان ناشی از کاهش ارزش پول وارده به یکی از طرفین قرارداد می‌گردد. تعدیل مهریه یا همان محاسبه مهریه به نرخ روز در سال ۱۳۷۶ به صورت تبصره‌ای به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی الحاق شده است. طبق این تبصره مهریه‌ای که وجه رایج کشور باشد را متناسب با تغییرات شاخص قیمت سالانه ی معین شده توسط بانک مرکزی از زمان پرداخت مهریه نسبت به سالی که عقد صورت گرفته است، محاسبه و مرد موظف به پرداخت مهریه تعدیل شده می‌گردد.

ب - چالش نفقه زن

در خصوص نفقه زن نیز متن قانون، اصلاح و همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن ذکر شده است. میزان نفقه برای همه به صورت یکسان تعریف نمی‌شود. نفقه بر اساس وضعیت مالی آقا، شان خانم و خانواده ایشان، موقعیتی که در آن قرار دارند و بر اساس نظر قاضی تعیین می‌شود. شرایط درخواست تعدیل نفقه زن بر اساس ماده‌ها و مفاد قانون مدنی است. ماده‌های ۱۱۰۷ الی ۱۱۱۱ و ۱۱۹۹ قانون مدنی از مهم‌ترین ماده‌ها در رابطه با نفقه هستند.

ج - چالش مقررات ارث

هر آنچه که از اموال شخص متوفی باقی می‌ماند، جزو احوال شخصیه است. یعنی میزان برخورداری هر فرد از ارث، بستگی به عنوان و نسبت وی با شخص متوفی دارد، مانند: ابوت (پدر بودن)، اموت (مادر بودن)، بنوت (فرزند بودن)، زوج، زوج و... میزان سهم هر یک از وراثت را شرع تعیین نموده است. به طور کلی وراثت به سه طبقه تقسیم می‌شوند: طبقه اول والدین و فرزندان، طبقه دوم، خواهر و برادر و طبقه سوم عمه، خاله، دایی و عمو قرار دارند و زوجین با سه گانه همراه هستند. سهم معین (فرض) هر یک از زوجین در قانون مدنی بر اساس مواد ۹۱۳ (طبقه اول)، ۹۲۷ (طبقه دوم)، ۹۳۸ (طبقه سوم) و مبحث چهارم سهم الارث قانون مدنی شامل ۹۴۰، ۹۴۶ الی ۹۴۹ به طور کامل به نحوه ارث بردن زوجین در حالات مختلف اختصاص یافته است.

تغییرات خانواده ایرانی از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای موجب شده است که برخی مقررات ارث چالش‌هایی برای خانواده‌ها ایجاد کند. در مقررات ارث در نحوه تقسیم بندی اقارب در ماده ۸۶۲ این چالش را به عینه می‌توان مشاهده نمود. در حالی که امروزه روابط خانوادگی به ویژه در زمینه ارتباط با اقربای طبقه سوم آنهم در درجات دورتر به حدی است که حکم قانونگذار منطبق با شرایط به نظر نمی‌رسد. با شکل‌گیری خانواده‌های هسته‌ای، زن یکی از ستونهای اصلی خانواده تلقی می‌شود. در شرایطی که متوفی همسری ندارد این حکم منطقی است اما در مواردی که همسر فرد به علت وجود وراثت دوری همانند پسر عمه و دختر عمه، سهم الارث کمی دریافت می‌کند، حکم ناعادلانه تلقی می‌شود.

البته باید توجه داشت که اکثر مقررات ارث برگرفته از قرآن و قواعد اسلامی است و در این موارد امکان تغییر قوانین وجود ندارد. احکام الهی در مقررات ارث و تفاوت‌های ارث زن و مرد در قرآن نه بر مبنای جنسیت بلکه بر مبنای مسئولیت مقرر شده است و علیرغم تغییر در ساختار خانواده ایرانی و تغییر در مسئولیت‌های زنان، نمی‌توان ادعا کرد که در جامعه ایران در حال حاضر زنان مسئول تامین معاش خانواده هستند و در خصوص زنان سرپرست خانواده قانونگذار باید با تمهیدات دیگر، حمایت‌های قانونی را

نسبت به آنها اعمال نماید. با این وجود اصلاحات جزئی و استفاده از برخی تمهیدات شرعی و قانونی در برخی مقررات ارث به علت عدم مغایرت با احکام اسلامی متناسب با واقعیات و نیازهای جامعه قابل اعمال است. تمیز رای فقیه از حکم شرع و تحمل نظرهای نو در امور اخلاقی از جمله دیدگاه‌های شایسته‌ای است که برخی نویسندگان حقوقی در این خصوص به آن اشاره نموده‌اند. استفاده از تمهیدهای فرعی نیز در این مسیر راهگشاست. به عنوان مثال اظهار شده است که در مواردی که زن با طبقه دوم یا سوم ارث می‌برد قانونگذار می‌تواند این فرض قانونی را ایجاد کند که شوهر ثلث اموال خود را به سود زن وصیت کرده است مگر خلاف آن از وصیت نامه یا سایر اسناد استنباط شود. یا در خصوص مقررات ماده ۹۰۵ قانون مدنی که در صورت انحصار وارث به زوجه، زوجه تنها فرض خود را می‌رد و زائد به او رد نمی‌شود، می‌توان به نظریاتی فقهای برجسته‌ای مانند صدوق، شیخ و شهید و علامه عمل نمود که قائل به رد فریضه به زوجه هستند و استناد به این نظریات قطعاً به معنای تخلف از موازین و منابع اسلامی نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۲۰۷ و ۲۱۰).

د- چالش اجرت المثل و نحله زوجه:

در زمینه اجرت المثل و نحله در قانون آمده است چنانچه زوجه کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده است مثل خانه داری و تربیت فرزندان و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود دادگاه اجرت المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید. در صورتی که شرایط گرفتن اجرت المثل وجود نداشته باشد می‌توان درخواست نحله کرد. اگر زن خواهان طلاق باشد نحله و اجرت المثل به او تعلق نمی‌گیرد. همچنین زمانی که مرد تقاضای طلاق کند و ثابت کند که طلاق برای عدم انجام و وظایف همسری و سوء اخلاق و رفتار زن است باز هم زن نمی‌تواند مطالبه اجرت المثل کند و با توجه به ماده ۳۳۶ قانون مدنی و تبصره‌های موجود در آن می‌توان تقاضای اجرت المثل کرد.

ماده قانون مقررات مربوط به طلاق دارای ۷ تبصره می‌باشد که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است و به این صورت است که پس از طلاق بنا به درخواست زن برای گرفتن حق الزحمه کارهایی که قانوناً وظیفه او نبوده اقدام می‌کند و اگر ضمن عقد شرایطی لحاظ شده باشد طبق آن عمل می‌شود و در غیر این صورت اگر طلاق از طرف زن نباشد به این صورت عمل می‌شود که اگر زن کارهایی را که بر عهده او نبوده و بنا به درخواست مرد انجام داده است را به دادگاه ثابت کند، دادگاه می‌تواند اجرت المثل آنها را تعیین و به زن پرداخت کند. دیگر اینکه با توجه به تعداد سال‌های زندگی مشترک و با توجه به نوع کارهایی که زن در خانه مرد انجام داده و با توجه به وسع مالی مرد دادگاه مبلغی را به عنوان نحله برای زن مشخص می‌کند.

در اجرت المثل وضعیت مالی مرد ملاک تعیین مبلغ نیست بلکه با توجه به نظر کارشناسی حق الزحمه زن در امور خانه داری معلوم می‌شود ولی در نحله با توجه به وضعیت مالی مرد و زحمات زن، یک مبلغ تحت عنوان نحله معلوم می‌شود و در نحله احتیاج به نظر کارشناسی نیست و فقط قاضی با در وضع مالی مرد تحقیق کند تا بتواند مبلغ مناسبی را با توجه به زحمات زن تعیین کند. از نظر قانونی در صورتی نحله به زن تعلق می‌گیرد که اجرت المثل تعلق نگرفته باشد.

۳-۲-۳. چالش اقارب

اقارب در مفهوم عام شامل خویشان فرد می‌باشد. از دیدگاه قانون مدنی در باب نفقه اقارب منظور از اقارب خویشان نسبی در خط مستقیم (عمودی) هستند. مطابق ماده ۱۱۹۶ قانون مدنی در روابط بین اقارب فقط اقارب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی و نزولی ملزم به انفاق به یکدیگرند.

به نظر می‌رسد این ماده به تبعیت از فقه و با توجه به ساختار گسترده خانواده ایرانی تدوین شده است و تکلیف به انفاق بین اجداد و آباء و اولاد در درجات دورتر چندان منطبق با ساختار خانواده مدرن امروزی نباشد. البته در فقه نیز در خصوص وجوب نفقه اجداد و اولاد اولاد (نوه‌ها و نتیجه‌ها) تردیدهایی وجود دارد اما قانون مدنی به تبعیت از نظر مشهور فقها وجوب آن را پذیرفته است. حتی در طلاق الزام به وارد کردن خویشان و معتمدان در فرایند قضایی دادگاه خانواده از جمله مصادیقی است که نشانه توجه قانونگذار به ساختار سنتی خانواده است. این موضوع مورد انتقاد برخی پژوهشگران قرار گرفته و این دیدگاه مطرح شده است که با تغییر شکل خانواده هسته‌ای و خصوصی شدن حریم خانواده الزام به وارد کردن خویشان و معتمدان در فرایند قضایی دادگاه خانواده به صلاح نیست. (نیک پی، ۱۳۹۱: ۱۶۰)

۳-۲-۴. چالش کودک همسری

با توجه به آثار فردی و اجتماعی مرتب بر کودک همسری تحدید سن ازدواج از مسایل مهم در حقوق خانواده محسوب می‌شود. بر اساس این چالش درباره حداقل سن ازدواج زوجین که در فقه سنتی از آن سخن به میان آمده است تفاسیری متفاوت به عمل آمده است. این مسئله موافقان و مخالفان متعددی دارد و از دیرباز در کتابهای فقهی درباره آن صحبت شده است. از یک سو موضوع کودک همسری، پیشینه فقهی دارد و فقها فتاوی متعددی در این زمینه ارائه کرده‌اند و از سوی دیگر از نخستین متن قانون مدنی درباره نکاح و خانواده (مصوب ۱۳۱۴) این موضوع مورد نظر بوده و در ماده ۱۰۴۱ این قانون محدودیت‌هایی برای این نوع نکاح پیش بینی شده است.

از دیربازی قانونگذار ایران با توجه به وضعیت جامعه درصدد محدود کردن امکان ازدواج کودکان بوده است. سن بلوغ برای نکاح از آغاز تدوین قانون مدنی تاکنون دستخوش تحولات گوناگونی شده که ملاحظه سیر تاریخی و افراط و تفریط‌هایی که در این زمینه شده، عبرت‌انگیز است (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۶۶). ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴، که اولین متن قانونی در زمینه کودک همسری بود، مقرر می‌کرد: «نکاح اناث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است؛ در عین حال در مواردی که مصالحی اقتضا کند با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه ممکن است استثنای معافیت از شرط سن اعطا شود ولی در هر حال این معافیت نمی‌تواند به انائی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند».

قانونگذار در سال ۱۳۵۳ پا را فراتر نهاد و در ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده ازدواج زنان قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و مردان قبل از رسیدن به سن ۲۰ سال تمام را بدون حکم دادگاه ممنوع اعلام کرد. این ماده از این لحاظ شایسته انتقاد بود که با اوضاع و احوال اجتماعی و عرف و سنت مردم هماهنگی نداشت (صفایی و امامی، ۱۳۹۰: ۷۲). پس از انقلاب اسلامی و نهضت بازگشت به احکام اسلام بشدت از رویکرد افراطی سال ۱۳۵۳ برگشت، و در اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مقرر شد: «نکاح قبل از بلوغ ممنوع است».

تبصره: عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی صحیح است به شرط رعایت مصلحت مولی علیه».

این ماده در سال ۱۳۷۰ با اصلاح عبارتی مختصری به این صورت درآمد:

«عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی به شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح است».

مطابق این ماده هیچ «حداقل سنی» برای نکاح نبود و با رعایت شرایط این ماده در هر سنی (قبل از بلوغ) امکان ازدواج وجود داشت.

با توجه به اینکه بدون نظارت قرارداد و ولی در رعایت مصلحت کودک ممکن است در عمل نتایج زیانباری به وجود آید، قانونگذار در سال ۱۳۹۷ تشخیص مصلحت را از اختیار ولی خارج، و به شخصی بی طرف یعنی قاضی دادگاه واگذار کرد. مطابق ماده ۱۰۴۱ فعلی قانون مدنی:

« عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح».

این ماده صرفنظر از ایرادات آن در حال حاضر لازم‌الاجراست (صفایی و امامی، ۱۳۹۰: ۷۵) و تخطی از آن مطابق ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ جرم به شمار می‌رود.

با توجه به اینکه مسئله کودک همسری با انتقاداتی از حیث روانشناختی، پزشکی، اجتماعی و فرهنگی روبه‌رو شد، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مهر ماه ۱۳۹۷ طرحی با عنوان «اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی» ارائه کردند که در رسانه‌ها با عنوان «طرح ممنوعیت کودک همسری» معروف شد. این طرح به دنبال ساماندهی وضعیت کودک همسری در کشور بود تا از اینکه جواز شرعی و قانونی این نوع ازدواج، موجب سوءاستفاده از کودکان و تحمیل آثار جبران‌ناپذیر بر فرد و جامعه شود، جلوگیری کند.

۳-۲-۵. حضانت

حضانت عبارت از ولایت و سلطنت است که به دو بعد پرورش جسمانی نظیر شیردادن و تغذیه، نگهداری در مکان مناسب، خوابانیدن در جای امن، تمیز کردن، استحمام و شست و شو در مواقع لازم، معالجه در مواقع بیماری و غیر آن و اخلاقی و عاطفی کودک نظیر تعیین نوع پوشش و لباس، رفتن به مسافرت و گردش، تعیین زمان و مکان تفریح، تعلیم آداب و احکام و تأمین امنیت روانی مربوط میشود (جبل عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۸: ۴۳۵). به عبارت دیگر حضانت شقوقی از ولایت است و از نظر اصطلاحی نیز حضانت به معنای، حق نگهداری و سرپرستی طفلی است که به شخصی واگذار می‌شود، این مفهوم را می‌توان از عنوان باب دوم از کتاب هشتم قانون مدنی استنباط کرد.

نظام حقوقی ایران براساس فقه امامیه، احکام مربوط به حضانت را در قانون مدنی و قانون حمایت از خانواده، بدین ترتیب مقرر داشته است که تا قبل از تصویب قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۹۱، توافقاتی را مورد حکم قرار نداده که برای پذیرش حق حضانت در برابر بذل حقوق یا اعطای امتیاز ویژه به والد دیگر صورت می‌گرفت، هرچند نظریات حقوقی قوه قضاییه به صحت آن تصریح دارد، اما پس از تصویب قانون مذکور و در ماده (۴۱) آن به طور ضمنی به توافقات انجام شده در خصوص حضانت رسمیت بخشید.

قانون مدنی، اصلاحی سال ۱۳۸۲ علاوه بر آن دادگاه به موجب تبصره ماده (۱۱۶۹) مجمع تشخیص مصلحت نظام، تنها پس از حدوث اختلاف وارد حیطه توافقات طرفین می‌شد؛ با این استدلال که حضانت حق و تکلیف والدین محسوب می‌شود و آنها می‌توانند حق خود را براساس قراردادی در قالب ماده (۱۰) قانون مدنی به دیگری انتقال دهند و در صورت بروز اختلاف، تعیین حضانت بر مبنای مصلحت طفل انجام شود و هرگاه والدین بعضی یا تمام حقوق خود را در قبال اخذ حق حضانت ضمن توافق ساقط می‌کرد، پس از حدوث آن، دادگاه در مقام رسیدگی به اختلاف صرفنظر از توافق یاد شده، صرفاً بر مبنای مصلحت طفل رأی صادر می‌کرد.

اما با تصویب قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۹۱، دادگاه چنانچه تشخیص دهد که توافقات درباره حضانت و نگهداری طفل برخلاف مصلحت طفل است، نسبت به واگذاری حضانت تعیین تکلیف می‌کند.

قبل از تصویب قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۹۱، به رغم سکوت نظام حقوقی ایران در قبال توافقات والدین نسبت به حضانت اطفال مشترک، اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریات متعدد حقوقی بر اعتبار و صحت چنین توافقاتی صحه گذارده بود که از جمله

آنها نظریه شماره ۷/۳۵۶۳ مورخ ۱۳/۰۴/۱۳۸۰ است که اشعار می‌دارد: «هر یک از ابوبین که دارای حق حضانت می‌باشند می‌توانند با تنظیم توافقنامه اعم از عادی و رسمی این حق را به دیگری تفویض نمایند». همچنین در بخشی از نظریه شماره ۷/۶۶۶۴ مورخ ۱۳۸۱/۷/۱۸ نیز به صراحت به امکان واگذاری حضانت براساس توافق والدین اشاره شده و سرانجام در سال ۱۳۹۱، به موجب ماده (۴۱) قانون حمایت خانواده، توافقات انجام شده در خصوص حضانت به طور ضمنی به رسمیت شناخته شد، زیرا در این ماده مقرر شد:

«هرگاه دادگاه تشخیص دهد توافقات راجع به ملاقات، حضانت، نگهداری و سایر امور مربوط به طفل برخلاف مصلحت او است یا در صورتی که مسؤول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند یا مانع ملاقات طفل تحت حضانت با اشخاص ذیحق شود، میتواند در خصوص اموری از قبیل واگذاری امر حضانت به دیگری یا تعیین شخص ناظر با پیشبینی حدود نظارت وی و با رعایت مصلحت طفل تصمیم مقتضی اتخاذ کند».

استعمال عبارت «توافقات راجع به حضانت»، مؤید آن است که اجازه توافق در خصوص این نهاد حقوقی به والدین اعطا شده است. از مفهوم مخالف تبصره ماده (۱۱۶۹) قانون مدنی اصلاحی سال ۱۳۸۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام که مقرر داشته: «بعد از هفت سالگی در صورت حدوث اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک به تشخیص دادگاه می‌باشد». استنباط می‌شود پس از سن هفت سالگی چنانچه اختلافی درباره حضانت طفل حادث نشود و طرفین با توافق هم آن را مشخص کنند، دادگاه در امر حضانت وارد نخواهد شد و به عبارت دیگر، تا پیش از بروز اختلاف میان والدین، توافقات به طور ضمنی معتبر قلمداد می‌شود، اما پس از اختلاف، حضانت با در نظر گرفتن مصلحت طفل و توسط دادگاه تعیین می‌شود.

اما پس از تصویب قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ و مستنبط از این قانون می‌توان گفت، قبل از حدوث اختلاف نیز چنانچه تشخیص داده شود، توافقات صورت گرفته درباره حضانت و نگهداری طفل، برخلاف مصلحت وی است، دادگاه حکم مقتضی را صادر و در خصوص واگذاری امر حضانت راساً تعیین تکلیف می‌کند.

نتیجه آنکه قانونگذار و محاکم قضایی توافقات را اساساً برخلاف نظم عمومی تلقی نکردند چه در غیر اینصورت همه توافقات را از اساس باطل میدانستند، درحالیکه در مواد پیش گفته قاضی تنها در صورتی که مصلحت طفل رعایت نشود به عنوان یک حمایت کننده، وارد توافق می‌شود؛ همچنین این تفسیر با ماهیت حضانت همخوانی بیشتری دارد، چراکه حضانت بالذات حقی است به نفع هر یک از ابوبین که در صورت امتناع و اسقاط آن به دلیل تراحم با حق کودک، ماهیت آن تکلیف می‌شود. بدین ترتیب حضانت از جمله مباحث حقوق خانواده مرتبط با نظم عمومی محسوب نشده و در نتیجه امکان توافق برخلاف حکم قانون منتفی نخواهد بود.

۳-۲-۶. سقط جنین

سقط جنین از جمله مسایلی است که با تغییرات اجتماعی روی داده در جامعه به موضوعی چالش برانگیز در فقه و حقوق تبدیل شده است. این چالش‌ها در قانون مجازات اسلامی در طول چند دهه به اصلاحاتی منتهی شده است. در قانون مجازات اسلامی به رغم استفاده مکرر از واژه جنین و تعیین عناوینی بر اساس طول عمر آن، تعریفی از آن ارائه نداده است. با عنایت به تعریف حاملگی، اطلاق سقط جنین در قانون مجازات اسلامی، منصرف از عمر آن، دربرگیرنده لحظه انعقاد تا خروج جنین محسوب می‌شود. بنابراین، نخست اینکه جنین حاصل از ترکیب تخمک زن با نطفه مرد در آزمایشگاه، تا قبل از انتقال به رحم زن، مشمول احکام سقط جنین قانون مجازات اسلامی نخواهد بود، استفاده مقنن از واژه رحم در بند ۱ ماده ۷۱۶ و ۷۱۹، اشاره به ازبین رفتن جنین بر اثر جنایت وارد به مادر، موضوع ماده ۷۱۷ و همچنین، اشاره به سقط چیزی از زن، در ماده ۷۲۱ قانون مدنی، مؤید این دیدگاه است (آقایی نیا، ۱۳۹۲: ۳۴۹).

دوم، احکام سقط جنین تابع مشروعیت حاملگی نیست؛ در همین زمینه، اداره حقوقی در نظریه شماره ۷/۲۴۹۹-۱۳/۴/۱۳۸۸ بیان می‌کند: «سقط جنین ناشی از زنا، مانند سقط جنین ناشی از حلال‌داری کیفر و مجازات است».

سوم، با توجه به قانون مجازات اسلامی، واژه جنین بدون اشاره به نواقص و معایب جسمی و روانی آن استفاده شده است؛ لذا سلامتی جنین، پیش شرط و نوع سقط نیست، ولی چیزی که از زن سقط می‌شود، باید منشأ انسانی داشته باشد تا موضوع سقط جنین قرار گیرد. در این زمینه، ماده ۷۲۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه بر اثر جنایت و یا صدمه، چیزی از انسان سقط شود که به تشخیص کارشناس مورد وثوق، منشأ انسان بودن آن ثابت نگردد، دیه و ارش ندارد، لیکن اگر بر اثر آن، صدمه ای به مادر وارد گردد، حسب مورد دیه و ارش تعیین می‌شود».

بر اساس ماده ۷۱۶ ق.م. طول عمر جنین فقط در میزان دیه مؤثر است و در نوع مجازات مرتکب سقط، تأثیری ندارد و علائم پیداشدن روح در جنین، که اصطلاحاً ولوج روح نامیده می‌شود، شامل حرکات جنین، جداشدن تپیدن قلب جنین و سن بالاتر از ۲۳ هفته (چهار ماهگی). بنابراین، به موجب بند ۶ ماده فوق، دیه جنینی که روح در آن دمیده شده است، بر اساس جنسیت آن، معادل دیه کامل انسان تعیین شده است. در این مورد، لازم به ذکر است که حتی اگر در زمان ضربه، هنوز روح در جنین حلول نکرده باشد، در صورتی که سقط پس از حلول روح صورت گیرد، مرتکب به پرداخت دیه محکوم خواهد شد.

با توجه به لایحه جدید قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، سقط جنین بنا به تصریح ماده ۳۰۶ این قانون، در هیچ یک از مراحل رشد آن، قتل محسوب نشده است و حتی در صورت عمدی بودن، موجب قصاص نمی‌شود.

در حالی که طبق ماده ۹۱ ق تعزیرات سابق (۱۳۶۲)، سقط جنین دارای روح را موجب قصاص میدانست و تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، با توجه به سکوت قانون مجازات مصوب ۱۳۷۰ و قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵، برخی از حقوقدانان به استناد نظر برخی از فقهای امامیه و بعضی از قرائن مذکور در قانون، جنین دارای روح را در حکم انسان متولد شده می‌دانست و همان احکام را در مورد قتل یا نقص عضو و جرح آن مجری می‌دانستند که با تصویب قانون جدید قصاصی نبودن سقط جنین عمدی تصریح شد.

انواع سقط جنین با لحاظ منابع پزشکی و حقوقی و با اندکی اغماض در لحاظ مبنای این تقسیم‌بندی عبارت‌اند از: الف) سقط جنین مجاز، ب) سقط جنین غیرمجاز، ج) سقط جنین خودبه‌خودی (گودرزی و کیانی، ۱۳۶۸: ۱۳۲۴).

به موجب ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی: «هرکس عالماً و عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد». به موجب ماده ۶۲۴ قانون مدنی اگر طیب یا ماما یا داروفروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا داروفروشی اقدام می‌کنند وسایل سقط جنین را فراهم سازند یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند، به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه، مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت».

به موجب ماده ۶۲۳ قانون مدنی هرکس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زن گردد، به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می‌گردد و اگر عالماً و عامداً زن حامله را دلالت به استعمال ادویه و یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد، به حبس از سه ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد؛ مگر اینکه ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر می‌باشد و در هر مورد، حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات داده خواهد شد».

عناوین کلی سایر سقط جنین‌های مجرمانه عبارت است از شبه عمد و خطای محض. به استثنای سقط جنین غیرعمدی، که ناشی از تخلفات رانندگی موضوع ماده ۷۱۵ قانون مدنی است، مسئولیت مرتکب در سایر موارد، منحصر به پرداخت دیه است.

پرداخت دیه در انواع سقط جنین عمدی و شبه عمدی بر عهده جانی است. به موجب ماده ۴۹۲ قانون مدنی: «دیه سقط جنین در موارد عمد و شبه عمد به عهده جانی است و در موارد خطای محض بر عهده عاقله اوست؛ خواه روح پیدا کرده باشد و خواه نکرده باشد».

بر اساس مبانی فقهی، سقط جنین جز در موارد خاص، کار حرامی است. فقها دلایل خاص و عامی برای حرمت سقط جنین مطرح می‌کنند. و دلائل عام شامل آیه ۱۲ سوره ممتحنه، آیه ۳۲ سوره مائده و آیات ۸ و ۹ سوره تکریم است. دلایل خاص را شامل الویت (حرمت سقط نطفه) تأخیر رجم، اجماع و ... می‌دانند. با این حال، فقها سقط جنین را در صورت مرگ جنین در رحم مادر و به خطر افتادن حیات مادر جایز می‌دانند. از نظر بیشتر فقهای شیعه، چون ترجیحی بین جان مادر و جنین وجود ندارد، پایان دادن به حاملگی و به خطر انداختن جان جنین جایز نیست؛ در این صورت، باید منتظر ماند تا مادر یا جنین یکی بمیرد و دیگری زنده بماند. در این زمینه، دیدگاه‌های متفاوتی از سوی فقها مطرح است؛ بر همین مبنا، مقنن در سال ۱۳۸۴، راه حل مناسبی برای بخش عمده ای از مشکلات سقط جنین با تصویب ماده واحد سقط درمانی برداشت.

«ماده واحده سقط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین، که به علت عقب افتادگی یا ناقص الخلقه بودن موجب حرج مادر است و یا بیماری مادر، که با تهدید جانی مادر توأم باشد، قبل از ولوج روح (چهار ماه) با رضایت زن مجاز می‌باشد و مجازات و مسئولیت متوجه پزشک مباشر نخواهد بود. متخلفین از اجرای مفاد این قانون، به مجازاتهای مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد».

با این حال، مواردی وجود دارد که مقنن باید با استناد بر فقه پویا، برای آن راه حلی بیابد؛ مواردی مثل جنین ناشی از زنا یا محارم، جنین ناشی از تجاوز به عنف یا بیماریهای تهدیدکننده جان مادر بعد از چهار ماهگی جنین و امثال این موارد. برای شروع به ارتکاب سقط جنین در قانون، تا قبل از سال ۱۳۹۲ مجازاتی تعیین نشده بود؛ مگر آن که اعمال ارتکاب یافته مستقلاً دارای جنبه جزایی بود یا مثلاً شروع به قتل عمدی مادر تلقی می‌شد که در آن صورت، به منزله شروع به قتل عمدی مجازات داشت. در حال حاضر، با توجه به مواد ۱۹ و ۱۲۲ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۹۲، فقط شروع به سقط جنین موضوع ماده ۶۲۴ قانون مدنی، که طیب، ماما یا داروفروش یا اشخاصی که تحت این عناوین اقدام می‌کنند مرتکب آن می‌شوند، با حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش، که میزان آن در ماده ۱۹ مشخص شده است، مجازات می‌شوند.

همچنین، لازم به ذکر است که در حال حاضر، با توجه به تبصره ماده ۱۲۲ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۹۲، شروع به ارتکاب جرائم از لحاظ مادی غیرممکن نیز در صورتی که رفتار ارتكابی ارتباط مستقیم با ارتکاب جرم داشته باشد (مثل استفاده از داروهایی که برخلاف تصور مرتکب، برای سقط جنین مناسب نیست) در حکم شروع به جرم به شمار می‌رود، اما اقدام به سقط جنین زنی که اساساً برخلاف تصور مرتکب، باردار نیست را نمی‌توان شروع به سقط جنین دانست؛ زیرا در این حالت، غیرممکن بودن ارتکاب جرم به لحاظ قانونی است و نه مادی؛ یعنی اینکه امکان تحقق تعریف قانونی سقط جنین در چنین حالتی وجود ندارد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۲۸۸).

۳-۲-۷. ازدواج سفید

شرع و عرف در جامعه ایران ازدواج شرعی و قانونی را به رسمیت می‌شناسد. در این میان ظهور شکل‌های جدیدی از روابط بین زن و مرد با عنوان ازدواج در حال گسترش است که در پاسخ به آن لازم است فقه و حقوق اسلامی دیدگاه و نظر خود را به صراحت اعلام نماید. یکی از این جلوه‌ها ازدواج سفید است.

ازدواج سفید را باید پدیده‌ای غیرشرعی و غیرقانونی دانست که در این پدیده مجرمانه، زن و مرد بدون وجود علقه زوجیت و بدون جاری شدن صیغه عقد دائم یا موقت و همچنین بدون ثبت رسمی ازدواج، شروع به زندگی مشترک و زناشویی می‌کنند (حیدری و

همکاران، ۱۴۰۱: ۶۷-۷۷). این زوجها هیچ تعهد حمایت مالی در برابر طرف خود ندارند و طی آمار جامعه شناسان با اینکه بیشتر توقع دارند که زندگی جنسی شان با وفاداری باشد اما خیانت جنسی در این روابط بسیار بیشتر از زوج‌های قانونی دیده می‌شود. در واقع هیچ محدودیت و یا مسئولیت پذیری رسمی و قانونی را شامل نمی‌شود. در این نوع ازدواج مسئولیتها و تعهدهای مالی که در نکاح دائم است هیچ انگاشته می‌شود (رضایی، ۱۳۹۴، ۵۱).

بنابراین، ازدواج سفید دو معنا می‌تواند داشته باشد. معنای اول عبارتست از همخانگی که ازدواج قانونی بدون ارتباط جنسی است و معنای دیگر، عبارتست از همباشی که ارتباط جنسی میان دو غیر همجنس بدون ازدواج رسمی است. معنای دوم شباهت زیادی به نکاح معاطاتی دارد. نکاح معاطاتی ازدواجی است که به منظور تشکیل خانواده و حق تمتع و رابطه جنسی میان دو جنس مخالف برقرار می‌شود، اما فاقد ایجاب و قبول لفظی است. در این ازدواج ممکن است طرفین بر مهریه، نفقه و سایر حقوق بین زوجین توافق کنند. ازدواج سفید به مانند نکاح معاطاتی از نظر حقوقدانان و فقها باطل اعلام شده است. حکم نکاح معاطاتی یکی از مباحث اجماعی بین فقهاست به نحوی که اکثریت آنها رأی به عدم جواز آن داده اند. (افراسیابی، ۱۳۹۶: ۱۲۴). تقریباً تمام فقهای که متعرض بحث نکاح شده اند، بر لزوم لفظی بودن ایجاب و قبول تأکید نموده اند. به عنوان نمونه، امام خمینی (ره) اظهار داشته اند: نکاح بر دو قسم دائم و منقطع است و هر کدام محتاج عقدی است که مشتمل بر ایجاب و قبول لفظی باشد (موسوی خمینی، ۱۳۸۰، ۱۶۹).

ایشان در ادامه تأکید می‌نمایند که مجرد رضایت قلبی طرفین کفایت نمی‌کند و معاطاتی که در غالب معاملات جریان دارد، در عقد نکاح کفایت نمی‌کند، از این نظر می‌توان استفاده نمود که ازدواج سفید رضایت قلبی طرفین کفایت نمی‌کند. از نظر فقهای معاصر نیز ازدواج سفید اعتباری ندارد و آنان نوع ایجاب و قبول لفظ را الزم شمرده اند. از نظر قانون مدنی، معاطات در عقود صحیح است و الزم نیست ایجاب و قبول لفظی باشد.

ماده ۱۹۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد: انشای معامله ممکن است به وسیله عملی که مبین قصد و رضا باشد، مثل قبض و اقباض حاصل می‌گردد مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد. مطابق این ماده، به غیر از موارد استثنایی، انشای معامله از طریق فعل و نه لفظ نیز ممکن است.

مطابق قسمت اخیر ماده فوق معاطات صحیح است. از جمله موارد استثناء شده عقد وقف و مصداق دیگر این بخش عقد نکاح است. البته قانون مدنی در باب نکاح، میان حالت اختیار و اضطرار فرق گذاشته است.

ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی وقوع نکاح را منوط الفاظ صریح می‌داند. از آنجا که در سیستم حقوقی اسلام و نظام مدنی مسلمین، نکاح قراردادی عادی و معمولی نیست و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، لذا قانونگذار صرف بیان صریح اراده طرفین و یا انجام اعمالی از سوی آنان که بیان کننده قصد و تراضی آنان باشد را در انعقاد قرارداد کافی ندانسته، بلکه به پیروی از فقه امامیه در انعقاد پیمان ازدواج علاوه بر اعلام توافق طرفین، اعمال ایجاب و قبول با اظهار الفاظی که صریحاً قصد و اراده طرفین بر ازدواج را آشکار و مبین نماید الزم دانسته است و به عبارت دیگر به موجب ماده فوق زوجین ناگزیرند که رابطه زوجیت و پیمان ازدواج خود را به وسیله ایجاب و قبول لفظی ایجاد و منعقد نمایند.

ازدواج سفید در ایران به عنوان پدیده‌ای مجرمانه محسوب می‌شود که دو جرم عمده را در خود جای داده و می‌تواند بنای سایر جرائم باشد:

الف) عدم ایجاد علقه زوجیت بین زن و مرد (طرفین) ازدواج سفید

ب) ایجاد رابطه نامشروع و زنا و جرائمی در زمره آن.

ازدواج سفید از جرایم بدون بزه دیده مستقیم و در بردارنده جرایم رابطه نامشروع، زنا و سقط جنین‌های غیرقانونی است (آقایی، ۱۳۹۸، ۱۱۳).

اگر صرفاً ایجاد روابط نامشروع و زنا را در نظر بگیریم در مواد مختلفی از قانون مجازات اسلامی، مجازاتهای آن را مشاهده می‌کنیم. در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی تعزیرات در مبحث جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی آمده است: «هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عفت و اکراه باشد فقط اکراه کننده تعزیر می‌شود.»

وجود روابط نامشروع و حتی ارتباط جنسی مادون زنا نیز در قوانین جزایی کشورمان، دارای مجازات است، حال اگر مرتکبان روابط نامشروع محصن یا غیرمحصن بوده و مرتکب جرم زنان یا مادون آن شوند با استناد به مواد ۲۲۵ و ۲۳۰، مجازات آنان تشریح شده است.

برخی زنان و مردان مرتکب این پدیده مجرمانه نیز با ادعای جاری نمودن شفاهی صیغه دائم یا موقت، قصد سرپوش گذاشتن بر این جرم را دارند، اما از نظر قانون کشورمان، ثبت عقد دائم در دفاتر ازدواج و طلاق و سامانه ثبت اداره ثبت احوال و اسناد التزامی است. در این راستا ماده ۲۰ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ مقرر می‌دارد: «ثبت نکاح دائم، فسخ و انفساخ آن، طلاق، رجوع و اعلام بطلان نکاح یا طلاق الزامی است.»

در ماده ۴۹ قانون فوق‌الذکر در رابطه با مقررات کیفری مربوط به عدم ثبت واقعه نکاح مقرر شده: «چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت انفساخ نکاح و اعالم بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است.»

۳-۲-۸. اشتغال زنان

یکی از مهمترین مسایل روز در حقوق خانواده به مبحث اشتغال زنان مربوط می‌شود که به ویژه در دوران مدرنیته چالش‌های جدی درباره آن وجود دارد. پرداختن به این موضوع امروزه از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است زیرا از جهت موازین بین‌المللی حقوق بشر این منع از جهت انکار صلاحیت زنان نوعی تبعیض به آنان تلقی می‌شود و محرومیت نوع زنان از حقوق مدنی و اجتماعی است.

فقه، احکام خاص بسیاری برای زنان دارد، اما داشتن کار و شغل و کسب درآمد را همچون مردان حق زنان می‌داند (علامه حلی، ۱۳۷۳: ۲۳۶). جایز است جهت کار، زن را اجیر نمود چه پیر باشد یا جوان، اجنبی یا غیر اجنبی (علامه حلی، ۱۳۷۳: ۲۴۵) و بیان می‌کند: زنان، مالک آنچه به دست می‌آورند؛ هستند. با اینهمه شماری از فقها، عهده دار شدن بعضی مشاغل را برای زنان مناسب نمی‌دانند؛ چون: قضاوت (طوسی، ۱۳۶۵: ۱۰۱؛ ۱۷؛ شهید ثانی، ۱۳۸۰: ۳۲۷). در این رابطه برخی فقها (نجفی، ۱۳۶۰: ۱۴ و ۳۶) به آیات قرآن کریم تمسک بسته‌اند؛ من جمله آیه ۱۸ سوره زخرف «وَمَنْ يَنْشَأْ فِي الْجُلَيْئِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ» کسی را که در لابه لای زینت‌ها پرورش می‌یابد و به هنگام جدال قادر به تبیین مقصود خود نیست فرزند خدا می‌خوانید؟ (زخرف: ۱۸). از دیدگاه برخی مفسرین این آیه دلالت می‌کند که زن در جایگاه اعطای منصب قضاوت نیست و یا چنین فضای تشریحی جلوی انعقاد اطلاق ادله قضاء را می‌گیرد (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۲۲۰). البته به شرط مرد بودن (ذکوریت) در منصب قضاوت، متقدمین از فقها اشاره‌ای نکرده‌اند (طوسی، ۱۳۶۵: ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق). اما در مقابل برخی فقها این نظر را به چالش کشیده‌اند. از جمله محقق اردبیلی و شیخ انصاری در حکم عدم اشتغال زنان به قضاوت تردید نموده است. (اردبیلی، ۱۹۸۲: ۱۵؛ انصاری، ۱۴۱۵ق: ۲۲۹).

در مجموع تصدی امر قضا موضوعی است که همواره در کانون منازعه فقیهان و متکلمین تجدیدنظرطلب و بنیادگرا قرار داشته است. حکم عدم جواز قضاوت زنان از احکام ثابت شرعی محسوب نمی‌شود، بلکه این مسئله از مسائل تفریحی اجتهادی و استنباطی

فقه‌است. تا قرن پنجم ق، در هیچ یک از متون فقهی معتبر شیعی، مرد بودن، شرط تصدی امر قضاء نبوده‌است. چنان که «شیخ مفید»، «شیخ طوسی» و «ابن ادریس حلی» هنگامی که شرایط تصدی امر قضاء را احصاء کرده‌اند هیچ اشاره‌ای به شرط رجولیت نکرده‌اند. اما در بین مراجع معاصر، امام خمینی(ره) و آیت الله خویی مرد بودن را یکی از شرایط قاضی می‌دانند (وزیری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸۱-۲۵۰).

برابری زنان و مردان در مشاغل را می‌توان بر اساس قاعده عدل استنباط نمود. عدل قرار گرفتن هر چیزی در جایگاه متناسب خود است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: *الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا*. عدل، امور را بر جایگاه‌های مناسب شان قرار می‌دهد (نهج البلاغه، حکمت: ۴۳۷). شارع مقدس، قاعده عدل و انصاف را امضا کرده است. مقتضای این قاعده این است: در مواردی که حق معینی وجود دارد و همه در وضعیت یکسانی نسبت به حق مذکور قرار دارند، آن را به طور مساوی میان آنها تقسیم می‌کنند تا در حد امکان؛ حقوق همه رعایت شده باشد و این کار را عادلانه تر از آن می‌دانند که کل حق را به یکی بدهند و دیگری(دیگران) را به طور کامل از آن محروم کنند (بجنوردی، ۱۳۷۷: ۳۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵۴). در کتاب «مئه قاعده فقهیه» به این قاعده اشاره شده است (مصطفوی، ۱۳۷۵: ۱۵۹). بر اساس قاعده عدل، اسلام مالکیت آزادی حق اشتغال مقامات قضایی، حکومتی، نظامی، دینی و حق تعلیم و تعلم، کسب هنر، حق اشتغال، صنعت و انتخاب شغل و حرفه را برای همه علی السویه، قرار داده است و تفاوتی بین زن و مرد در این میان وجود ندارد.

در تطابق با نیازهای جامعه امروز و نیاز خانواده‌ها به اشتغال زنان، قوانینی در حقوق ایران تدوین شده است. رویکرد قوانین موضوعه ایران به حق اشتغال زنان را می‌توان در قانون اساسی به عنوان قانون مادر و قوانین مدنی و کار به عنوان قوانین اصلی و پایه پیگیری نمود. همچنین در قانون اشتغال نیمه وقت زنان مصوب ۱۳۶۲

قوانین مرتبط با اشتغال در نیروهای مسلح به عنوان کادر نظامی، قوانین ممنوعیت کارهای سخت برای زنان، مرخصی زایمان و رفاه مادران برای مراقبت از کودکان، مرخصی شیردهی برای زنان شاغل، قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳ اسفند ۱۳۶۸، لایحه تسهیلات شغلی زنان روستایی و عشایر، طرح دورکاری زنان شاغل(قبل کرونا، دوران کرونا و پساکرونا)، لایحه تسهیلات شغلی برای زنان سرپرست خانوار و قانون بازنشستگی پیش از موعد زنان می‌توان آنها را ردیابی نمود.

نظام حقوقی ایران با مبنا قرار دادن مصالح و منافع فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی زنان، در ضمن پذیرش اصل حق اشتغال زنان، در برخی از مشاغل خاص و البته نه همه مشاغل قائل به محدودیت و ممنوعیت برای فعالیت در این زمینه‌ها شده است چرا که معتقد است که این دسته از فعالیت‌ها با شان و منزلت زنان، توانایی فیزیکی و یا حتی شرایط روحی-روانی آنها همخوانی ندارد. به عنوان مثال، مواد ۷۵ الی ۷۸ قانون کار صراحتاً بکارگیری زنان در مشاغل سخت و زیان آور را غیرقانونی اعلام کرده است. باید توجه شود که قانونگذار ایرانی تاکنون تعریف شفاف و روشنی از عبارت "سخت و زیان آور" ارائه نداده است، اما به نظر می‌رسد منظور فعالیت‌هایی است که در حالت طبیعی برای اکثریت زنان مشکل باشد و یا انجام آن برای سلامتی مضر باشد.

در ماده ۳۲ قانون ارتش نیز به کارگیری زنان در امور نظامی که می‌تواند صدمات جدی برای آنها به همراه داشته باشد منع شده است و صرفاً اشتغال نظامی زنان را در اموری پذیرفته است که به سلامتی جسمانی و روحی-روانی آنها صدمه وارد نسازد. علیرغم رعایت حداکثر حقوق انسانی در امر اشتغال زنان در قوانین ایران، نمی‌توان از این موضوع غافل بود که در این بین برخی موانع حقوقی وجود دارد که با استفاده صحیح، دقیق و متبحرانه از فقه اسلامی توسط فقهای که بر مقتضیات اجتماعی اجحاف کامل دارند، می‌توان با قائل شدن استثنائاتی در شرایط خاص(مصالح جامعه اسلامی) و برای افراد خاص که صلاحیت و شایستگی تصدیگری بر سمت‌های خاص سیاسی و اجتماعی را دارند، زمینه‌ای را فراهم نمود که حقوقی از زنان توانمند و متخصص در امور، تضییع نگردد؛ از جمله این مواد، ماده ۱۶۳ قانون اساسی می‌باشد که بر طبق این متن قانونی، مجلس شورای اسلامی خصوصیات و شرایط قاضی را البته بر طبق موازین شرعی و فقهی تعیین می‌نماید؛ بر طبق صلاحدید مجلس شورای اسلامی تاکنون انتصاب به

سمت قضاوت، منحصر در اختیار مردان بوده است؛ این امکان وجود دارد که با دستگیری از فقه پویای اسلامی و اقتضائات زمان حال، زنان نیز بتوانند عهده دار این سمت در مراجع قضایی گردند؛ چرا که امروزه کم نیستند حقوقدانان زنی که دانش، صالحیت و توانمندی چنین انتصابی را به خوبی از خود به نمایش گذارده اند؛ بطوریکه می‌توان ادعا نمود شایستگی چنین مقام و سمتی را قطع به یقین دارا می‌باشند. چنین مشروحه‌ای، در خصوص اصل ۱۱۵ قانون اساسی، ماده ۲۰ قانون و مقررات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ماده ۳۲ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران، قابل طرح است.

۴- بحث و نتیجه گیری

به طور کلی مهم ترین مسایل ایجاد شده در نتیجه تغییرات اجتماعی در خانواده‌های ایرانی را می‌توان در چالش ولایت و ریاست در خانواده، چالش حقوق مالی خانواده، چالش اقارب، کودک همسری، حضانت، سقط جنین، ازدواج سفید و اشتغال زنان خلاصه نمود. این چالش‌های جدید، آسیب‌ها و پیامدهای منفی مختلفی بر کیان خانواده به همراه داشته‌اند که لزوم قانونگذاری و اصلاح قوانین موجود را در تطابق و کنترل این آسیب‌ها دوجندان ساخته است. اما این بازنگری و اصلاح به این سادگی قابل حصول نیست و لازم است با اصول فقهی همخوانی داشته باشد.

این آسیب‌ها و پیامدهای منفی را می‌توان در موارد مختلفی چون تقویت فرهنگ مردسالاری، خشونت علیه خانواده، بلاتکلیفی فرزندان طلاق و یتیم از پدر، بلاتکلیفی زنان مطلقه و بیوه، عدم تناسب ارزش مهریه با شرایط متغیر، اختلاف‌های تقسیم و سهم ارث، مشکلات تعیین اجرت المثل و نحله زوجه، عدم انطباق خانواده‌های امروزی در تکلیف به انفاق بین اجداد و آباء و اولاد در درجات دورتر، مشکلات الزام ورود خویشان و معتمدان در فرایند قضایی دادگاه خانواده، بروز اختلاف‌های خانوادگی و افزایش طلاق، بازتاب منفی در مجامع بین‌المللی، حاملگی‌های زود هنگام و احتمال مرگ مادران کودک همسر، کاهش جمعیت، خطرات جانی مادر، فعالیت مراکز غیرقانونی سقط جنین، تولد نوزادان ناقص و معلول، گسترش روابط خارج از عرف و شرع و قانون، فساد، خیانت جنسی، عدم تناسب بین وظایف مادری و شغلی، خشونت علیه زنان در محیط‌های شغلی، ناامنی شغلی، تبعیض جنسی در محیط‌های شغلی دانست.

در پاسخ به برخی مسایل و پیامدهای آسیب‌زای آنها، برخی قوانین حقوقی ایران پسانقلابی بر مبنای تفاسیر فقه پویای اسلامی متحول و اصلاح شده‌اند. اما همچنان در مواردی این قوانین همچنان دست نخورده مانده‌اند. در ضرورت این بازنگری قانونی باید به این نکته تاکید نمود که قوانین حقوقی خانواده ایرانی بر مبنای ساختار خانواده گسترده تدوین شده است. در حالیکه خانواده ایرانی در طول دهه‌های گذشته از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای دگرگون شده است. در نتیجه این تحول کلیدی، بسیاری از قوانین حقوقی خانواده در تنظیم تعاملات بین اعضای خانواده و مناسبات بین آنها تناسب و تطابق خود را با شرایط معاصر از دست داده‌اند که این مساله سرمنشاء چالش‌ها و مشکلات مختلفی است که بسیاری از منتقدان اجتماعی و حقوقدانان را به واکنش در این باب واداشته است. از طرف دیگر مسایل جدیدی در تعاملات بین اعضای خانواده و یا روابط منتسب به خانواده بروز و ظهور کرده‌اند که لزوم واکنش فقهی و حقوقی را دوجندان ساخته است.

جدول ۱- مسایل اجتماعی خانواده و بازتاب حقوقی در قوانین ایران پسانقلابی یا ضرورت‌های دگرگونی قوانین (بخش اول)

ردیف	مسایل اجتماعی	آسیب‌ها و پیامدهای منفی	بازتاب حقوقی در قوانین ایران پسانقلابی یا ضرورت‌های دگرگونی قوانین
۱	چالش ولایت و ریاست در خانواده	مردسالاری، خشونت علیه خانواده، بلاتکلیفی فرزندان طلاق و یتیم از پدر، بلاتکلیفی زنان مطلقه و بیوه، بروز اختلاف‌های خانوادگی	ضرورت تغییر ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی (لزوم پذیرش تفاسیری که ریاست خانواده را به عنوان یک امتیاز و حق فردی برای شوهر تلقی نمی‌کنند و در چهارچوب عرف و مصلحت خانواده آن را

ردیف	مسائل اجتماعی	آسیب‌ها و پیامدهای منفی	بازتاب حقوقی در قوانین ایران پس‌انقلابی یا ضرورت‌های دگرگونی قوانین
			قابل اعمال می‌دانند؛ امکان پذیرش ولایت قهری مادر به جای جدپدیری در موارد مقتضی)
۲	چالش‌های حقوق مالی خانواده	عدم تناسب ارزش مهریه با شرایط متغیر، اختلاف‌های تقسیم و سهم ارث، مشکلات تعیین اجرت المثل و نحله زوجه	تبصره الحاقی به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی (سال ۱۳۷۶) درباره تعدیل مهریه‌های ریالی. ماده‌های ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱ و ۱۱۹۹ قانون مدنی درباره نفقه زن. ضرورت بازنگری در مواد ۹۱۳ (طبقه اول)، ۹۲۷ (طبقه دوم)، ۹۳۸ (طبقه سوم) و مبحث چهارم سهم الارث قانون مدنی شامل ۹۴۰، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸ و ۹۴۹؛ تمیز رای فقیه از حکم شرع و تحمل نظرهای نو در امور اخلاقی و استفاده از تمهیدهای فرعی در مقررات ارث ماده ۳۳۶ قانون مدنی و تبصره‌های موجود در آن؛ تبصره‌های هفتگانه ماده قانون مقررات مربوط به طلاق (مصوب مجلس شورای اسلامی) درباره اجرت المثل و نحله زوجه.
۳	چالش اقارب	عدم انطباق خانواده‌های امروزی در تکلیف به انفاق بین اجداد و آباء و اولاد در درجات دورتر، مشکلات الزام ورود خویشان و معتمدان در فرایند قضایی دادگاه خانواده	ضرورت بازنگری در ماده ۱۱۹۶ قانون مدنی، تردید در وجوب نفقه اجداد و اولاد اولاد (نوه‌ها و نتیجه‌ها)، بازنگری در الزام به وارد کردن خویشان و معتمدان در فرایند قضایی دادگاه خانواده
۴	کودک همسری	آسیب‌های جسمی و روحی کودک همسری، سوءاستفاده از کودکان، تحمیل آثار جبران ناپذیر بر فرد و جامعه، بروز اختلاف‌های خانوادگی و افزایش طلاق، بازتاب منفی در مجامع بین‌المللی، حاملگی‌های زود هنگام و احتمال مرگ مادران کودک همسر	ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی (مصوب ۱۳۱۴) ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۵۳) اصلاحیه ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی (مصوب ۱۳۷۰ و ۱۳۹۷) ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱) طرح ممنوعیت کودک همسری مجلس شورای اسلامی در اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی (مهر ماه ۱۳۹۷)

جدول ۲- مسایل اجتماعی خانواده و بازتاب حقوقی در قوانین ایران پس‌انقلابی یا ضرورت‌های دگرگونی قوانین (بخش دوم)

ردیف	مسائل اجتماعی	آسیب‌ها و پیامدهای منفی	بازتاب حقوقی در قوانین ایران پس‌انقلابی یا ضرورت‌های دگرگونی قوانین
۵	حضانت	عدم تناسب قوانین قبلی با ساختار خانواده‌های امروزی، اختلاف‌های خانوادگی، بلا تکلیفی کودکان طلاق و یتیم	قانون مدنی (کتاب هشتم، باب دوم) ماده ۴۱ قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱) تبصره ماده (۱۱۶۹) قانون مدنی (اصلاحیه ۱۳۸۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام) نظریه‌های شماره ۷/۳۵۶۳ مورخ ۱۳۸۰/۰۴/۱۳ و ۷/۶۶۶۴ مورخ ۱۳۸۱/۷/۱۸ اداره حقوقی قوه قضاییه
۶	سقط جنین	کاهش جمعیت، خطرات جانی مادر، فعالیت مراکز غیرقانونی سقط جنین، تولد نوزادان ناقص و معلول	مواد ۷۱۶ (بند ۱)، ۷۱۷، ۷۱۹، ۷۲۱ قانون مدنی ماده ۹۱ قانون تعزیرات (مصوب ۱۳۶۲) قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰) قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ ماده واحد سقط درمانی (مصوب ۱۳۸۴)

ردیف	مسایل اجتماعی	آسیب‌ها و پیامدهای منفی	بازتاب حقوقی در قوانین ایران پس‌انقلابی یا ضرورت‌های دگرگونی قوانین
			نظریه شماره ۷/۲۴۹۹-۱۳/۴/۱۳۸۸ اداره حقوقی قوه قضاییه مواد ۱۹ و ۱۲۲، ۳۰۶، ۶۲۳، ۴۹۲، ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی (مصوب سال ۱۳۹۲)
۷	ازدواج سفید	گسترش روابط خارج از عرف و شرع و قانون، فساد، خیانت جنسی	باطل بودن ازدواج سفید به مانند نکاح معاطاتی از نظر حقوق‌دانان و فقها مواد ۱۹۳ و ۱۰۹۲ قانون مدنی ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی (مبحث تعزیرات / جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی) مواد ۲۲۵ و ۲۳۰ قانون مجازات اسلامی مواد ۲۰ و ۴۹ قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱)
۸	اشتغال زنان	عدم تناسب بین وظایف مادری و شغلی، خشونت علیه زنان در محیط‌های شغلی، ناامنی شغلی، تبعیض جنسی در محیط‌های شغلی	اصل ۱۱۵ و ۱۶۳ قانون اساسی مواد ۷۵ الی ۷۸ قانون کار قانون اشتغال نیمه وقت زنان مصوب ۱۳۶۲ قانون اشتغال در نیروهای مسلح قانون ممنوعیت کارهای سخت برای زنان، قانون مرخصی زایمان و رفاہ مادران برای مراقبت از کودکان، قانون مرخصی شیردهی برای زنان شاغل، قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳ اسفند ۱۳۶۸ لایحه تسهیلات شغلی زنان روستایی و عشایر طرح دورکاری زنان شاغل (قبل کرونا، دوران کرونا و پساکرونا)، لایحه تسهیلات شغلی برای زنان سرپرست خانوار قانون بازنشستگی پیش از موعد زنان ماده ۲۰ قانون و مقررات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ماده ۳۲ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران

منابع

قران کریم.

نهج البلاغه.

- ✓ ابن ادریس، الحلی (۱۴۰۱ق) السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- ✓ اردبیلی، احمد ابن محمد (۱۹۸۲) مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- ✓ افراسیابی، فرهنگ (۱۳۹۶) تأملی در حکم نکاح معاطاتی یا ازدواج سفید در فقه، فصلنامه فقه، حقوق و علوم جزا، سال دوم، شماره ۶.
- ✓ انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ق) المکاسب المحرمه ببع خیارات، قم: مجمع الفکر الإسلامی،

- ✓ آقایی نیا، حسین (۱۳۹۲) حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)، تهران: میزان.
- ✓ آقایی، مجید (۱۳۹۸) واکاوی جرم شناسانه ازدواج سفید با رویکرد جامعه شناختی «پژوهشنامه اسالمی زنان و خانواده، سال هفتم، شماره ۱۶.
- ✓ بجنوردی، محمدحسن، (۱۳۷۷) القواعد الفقیه، قم: نشر هادی.
- ✓ جبل عاملی، زین الدین (۱۴۱۶ق) مسالک الافهام، جلد ۸، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- ✓ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۷) تَفْصِيلُ وَسَائِلِ الشَّيْعَةِ إِلَى تَحْصِيلِ مَسَائِلِ الشَّرِيعَةِ (جلد ۱۲)، قم: مؤسسه آل بیت علیه السلام.
- ✓ حر عاملی، محمدبن حسن. (۱۹۹۱م). وسائل الشیعه. تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ✓ حیدری، محمدمهدی؛ محمدی، امیر؛ مرادی قلعه، سهیلا (۱۴۰۱) آثار حقوقی و کیفری ازدواج سفید در ایران، دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی سال پنجم مرداد ۱۴۰۱ شماره ۵۱، ۶۷-۷۷.
- ✓ رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷)، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.
- ✓ رضایی، حسن (۱۳۹۴) ازدواج سفید با هم باشی سیاه»، مجله پایش سبک زندگی، شماره ۶.
- ✓ شریفی لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳)، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: نشر داد.
- ✓ شهید ثانی، زین الدین (۱۳۸۰) مسالک الافهام فی شرح شرائع الاسلام قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- ✓ شیخ طوسی (۱۳۶۵) تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ✓ شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۷). حقوق خانواده: ازدواج، طلاق و فرزندان. تهران: سازمان سمت.
- ✓ صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق / ۱۳۶۵ش) الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم: فرهنگ اسلامی.
- ✓ صفایی، حسن، اسدالله امامی (۱۳۸۴)، مختصر حقوق خانواده، تهران، میزان.
- ✓ صفایی، سید حسین (۱۳۸۴) دوره مقدماتی حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، جلد ۲، تهران: میزان.
- ✓ علامه حلی، ابومنصور جمال الدین حسن بن یوسف (۱۳۷۳) مختلف الشیعه فی احکام الشریعه (جلد ۵)، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ✓ کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸) حقوق مدنی: خانواده، تهران: شرکت سهامی انتشار، بهمن برنا.
- ✓ کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰) حقوق مدنی: خانواده، تهران: سهامی انتشار.
- ✓ کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۴) دوره مقدماتی حقوق مدنی (درسهایی از شفعه، وصیت ارث)، تهران، میزان.
- ✓ گودرزی، فرامرز؛ کیانی، مهرداد (۱۳۶۸) پزشکی قانونی، جلد اول، تهران: انتشارات انیشتن.
- ✓ مجلسی، محمد باقر. (۱۹۸۳م). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- ✓ مصطفوی، حسن (۱۳۸۰) تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب.
- ✓ مصطفوی، محمد کاظم (۱۳۷۵) القواعد مائه قاعده فقهیه معنی ومدرکا وموردا، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه
- ✓ مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق) التفسیر الکاشف، قم: دار الکتاب الاسلامی.
- ✓ مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴) انوار الفقاهه فی احکام الکتاب الخمس و انفال، قم: پیام امیرالمومنین.
- ✓ مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱) تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ✓ موسوی بجنوردی، محمد؛ ترکمان، عفت (۱۳۸۵)، ولایت مادر در فقه و حقوق با نگرشی به اندیشه امام خمینی، پژوهشنامه متین، ۱۳۱-۱۴۷.

- ✓ موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۰) تحریر الوسیله، قم: مؤسسه دارالعلم.
- ✓ مهریزی، مهدی (۱۳۸۶) شخصیت و حقوق زن در اسلامی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ✓ میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۲) جرائم علیه اشخاص، تهران: میزان.
- ✓ نجفی، محمد حسن (۱۳۶۰) جواهر الکلام فی شرح شرایع اسلام، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- ✓ نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه.
- ✓ نیک پی، امیر، رضوان پویا، (۱۳۹۱) جامعه شناسی تحول خانواده در ایران (بررسی ابعاد اجتماعی و حقوقی لایحه حمایت خانواده) جامعه شناسی تاریخی، دوره ۴، شماره ۱، ۱۳۱-۱۶۹.
- ✓ وزیری، مجید؛ نوری، عزیزه؛ علیایی، شاولد (۱۳۹۰). «بررسی سیر تحولات تاریخی حقوق اجتماعی زن در باب قضاوت و مرجعیت در فقه»، کتاب نقد، شماره ۵۹ و ۶۰، صص ۱۸۱-۲۵۰.
- ✓ یزدانی، عباسعلی؛ دوستی، سیمین (۱۳۹۴)، اشکال نوپدید خانواده در ایران و چالش‌های آن، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، سال دوم، شماره ۶، ۷۵-۱۰۰.
- ✓ اسناد حقوقی
- ✓ اصلاحیه قانون مدنی ۱۳۸۲
- ✓ اصلاحیه قانون مدنی ۱۳۷۹
- ✓ اصلاحیه قانون مدنی ۱۳۶۳
- ✓ اصلاحیه قانون مدنی ۱۳۷۰
- ✓ اصلاحیه قانون مدنی ۱۳۶۱
- ✓ آیین نامه دورکاری، مصوب ۱۳۸۹
- ✓ آیین نامه دورکاری، ماده ۴، شماره ۴۴۷۲۶/۷۶۴۸۱ مصوب ۱۳۸۹/۰۴/۰۷
- ✓ آیین نامه دورکاری، مصوب کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک، مصوب ۱۳۹۸
- ✓ بازدارندگی از جرایم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی ۱۳۷۵
- ✓ قانون دورکاری به شماره ۴۲۵۷۳ مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۱۲
- ✓ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۶
- ✓ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- ✓ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳ اسفند ۱۳۶۸
- ✓ قانون اشتغال نیمه وقت زنان مصوب ۱۳۶۲
- ✓ قانون اصلاح مقررات استخدام و بازنشستگی کشوری ۱۳۷۰
- ✓ قانون اعطای حق حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادران ۱۳۶۴
- ✓ قانون بازنشستگی پیش از موعد زنان، مصوبه ۱۳۹۱ هیئت دولت و مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۲
- ✓ قانون تامین زنان و کودکان بی سرپرست ۱۳۷۱
- ✓ قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران شیرده ۱۳۷۴
- ✓ قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران شیرده، مصوب ۱۳۷۴، اصلاحیه ۱۳۸۳ و ۱۳۹۰
- ✓ قانون تسهیل ازدواج زنان ۱۳۸۴
- ✓ قانون تعزیرات

- ✓ قانون تنظیم خانواده و جمعیت ۱۳۷۲
- ✓ قانون حق حضانت ۱۳۶۵
- ✓ قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۰
- ✓ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱
- ✓ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱.
- ✓ قانون خدمت نیمه وقت بانوان ۱۳۶۲
- ✓ قانون راجع به خدمت نیمه وقت بانون و اصلاحات بعدی آن، وبگاه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۰ آذر ۱۳۶۲.
- ✓ قانون سقط درمانی ۱۳۸۴
- ✓ قانون صندوق رفاه دانشجویان ۱۳۷۱
- ✓ قانون کار، ماده ۷۶ و ۷۷، مرخصی زایمان و رفاه مادران برای مراقبت از کودکان مصوب ۱۳۷۰
- ✓ قانون کار، ماده ۷۷، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹
- ✓ قانون کار، مواد ۷۵ الی ۷۸ درباره حق اشتغال زنان
- ✓ قانون کار «ماده ۷۵، ممنوعیت کارهای سخت برای زنان مصوب ۲۹ آبان سال ۱۳۶۹
- ✓ قانون مجازات اسلامی
- ✓ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
- ✓ قانون نحوه اجرای قانون مربوط به خدمت نیمه وقت بانون، مصوب ۱۰ آذر ۱۳۶۲، تاریخ امضاء ۱۳۶۴/۱/۲۴، تاریخ انتشار ۱۳۶۴/۰۲/۰۳، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره پرونده ۸۰۷/۲ روزنامه : ۱۱۶۹۴، دوره ۲، شماره جلد : ۱، شماره صفحه: ۱۴۴.
- ✓ لایحه تسهیلات شغلی برای زنان سرپرست خانوار سال ۱۳۹۱
- ✓ لایحه تسهیلات شغلی زنان روستایی و عشایر مصوب ۱۳۸۷